

گزارش نشست «کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و تحولات نوین در نظم بین‌المللی؛ پیامدها و

سیاست‌ها»

پژوهشکده مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل و حقوقی با همکاری دانشگاه جامع امام حسین (ع) نشست را با عنوان «کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و تحولات نوین در نظم بین‌المللی؛ پیامدها و سیاست‌ها» برگزار نمود. سخنرانان نشست آقایان دکتر علی‌اکبر اسدی و دکتر حمیدرضا اکبری و مدیر جلسه خانم دکتر طیبه محمدی‌کیا بودند. نشست در روز دوشنبه، ۵ تیر ۱۴۰۲ برگزار گردید. در ادامه چکیده‌ای از مباحث نشست ارائه می‌شود؛

نشست با سخنرانی دکتر اکبری آغاز شد. به باور وی سیاست خارجی کشورها متأثر از عوامل و متغیرهای ثابت و پویا از جمله ساختار بین‌الملل، نظام‌های فرعی منطقه‌ای، منافع ملی و موقعیت جغرافیایی و تاریخی و مانند آن‌ها شکل می‌گیرد. هم از این روی تحول در نظم بین‌المللی منجر به تغییر در سیاست خارجی خواهد شد. سخنران با بهره‌گیری از نظریه نوواقع‌گرایی ساختاری کنت والتز و بررسی سه مفهوم «سیستم منطقه‌ای»، «موازنه قدرت» و شکل‌گیری «خلاء قدرت» به بررسی تأثیر تحول نظم بین‌المللی بر تغییر سیاست خارجی کشور با تمرکز بر دولت‌های عرب حوزه جنوبی خلیج فارس پرداخت. به گفته سخنران مطالعه تأثیر تغییر نظم بین‌الملل بر سیاست خارجی این دسته از کشورها بر ما آشکار می‌سازد که یکم. کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به عنوان بازیگران منطقه‌ای نشانه‌های جدی نمایان است که خبر از تغییر سیاست و روش از سوی قدرت‌های بزرگ را در سطح جهانی درک کرده‌اند و در ازای آن به سوی تغییر در خط مشی‌ها پیش رفته‌اند. در این میان می‌توان رفتار قدرت‌های بزرگ را مورد رصد قرار داد و برای نمونه سیاست نگاه به شرق آمریکا و خروج از غرب آسیا، تضعیف ائتلاف‌ها و اتحادهای موجود و ... اشاره نمود که به تأثیر بر سیاست خارجی دولت‌های نام برده منتهی گشته است. این رویه به تغییر در موازنه قدرت خواهد انجامید. دوم. تحول در موازنه قدرت و تلاش برای تعدیل آن در کنار نقش قدرت‌هایی مانند چین و روسیه برای پیشگیری از به وجود آمدن خلاء قدرت در منطقه به پررنگ تر شدن نقش قدرت‌های منطقه‌ای انجامیده است.

تغییر در عرصه بین الملل را می توان در وضعیت اقتصادی و همکاری های مالی نیز سراغ گرفت. در واقع با افزایش وزن اقتصادی - تجاری و سرمایه گذاری از سوی کشورهای منطقه به ویژه عربستان، قطر و امارات شرایط برای پدیداری نظم منطقه ای نوین مهیا شده است. این نظم می تواند دارای ویژگی هایی مانند؛ تنوع بیشتر قدرت های جهانی حاضر در منطقه، تنوع بیشتر موضوعات و انباشت بیشتر ثروت در منطقه باشد. در نتیجه باید گفت نقش مؤثر خلیج فارس طی دهه آینده در تعیین نظم و شکل دهی به ساختار نظام بین الملل، نه تنها کاهش نمی یابد، بلکه محوریت و حساسیت بیشتری پیدا می کند. در این راستا سیاست خارجی کشورهای عربی خلیج فارس متأثر از این نظم و تبعات آن تغییر می کند.

ادامه نشست به سخنرانی دکتر اسدی اختصاص داشت. دکتر اسدی با تمرکز به تغییرات عرصه بین الملل در دو دهه اخیر به وضعیت پیش روی کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس پرداخت. به باور وی با تمرکز در این برهه زمانی درمی یابیم که نظم بین المللی در دو دهه اخیر با روندها و تغییراتی مهم و کلیدی روبرو شده است. این تغییرات از یک سو شامل تغییر در موازنه قوای بین قدرتهای بزرگ و از سوی دیگر شامل ظهور مسایل و روندهای جدیدی است که معادلات جهانی و رفتار بازیگران را به نحو متفاوتی شکل می دهد. در این میان کشورهای عربی خلیج فارس که برای دهه های متمادی سیاست خارجی خود را در قالب ائتلاف ها و همکاری های راهبردی با قدرت های غربی طراحی و به پیش برده اند در رویارویی با تغییرات و روندهای جدید بین المللی با چالش های مهمی روبرو شده اند. به شکل ویژه مطالع سیاست خارجی عربستان سعودی به عنوان بازیگر محوری در حاشیه جنوبی خلیج فارس، در پی تحول در عرصه بین الملل، با واقعیت های نوینی در سطوح بین المللی و منطقه ای روبرو شده و تغییراتی تدریجی را در سیاست خارجی و داخلی خود آغاز کرده است. دکتر اسدی با تمرکز بر رویکرد عربستان سعودی در قبال تحولات عرصه بین الملل به این مهم پرداخت که این دسته از تغییرات و روندهای جدید بین المللی چه پیامدهایی برای عربستان سعودی خواهد داشت؟ در پاسخ باید گفت این رخداد پیامدهای گریزناپذیری در سیاستهای راهبردی این کشور خواهد داشت. سخنران در ادامه به تغییرات در موازنه قدرت بین المللی و معادلات جهانی اقتصاد و مسایل ژئوپلیتیک پرداخت. به گفته وی ما در رفتار سیاست خارجی عربستان سعودی شاهد متنوع سازی اقتصاد و تکرگرایی فرهنگی در داخل و همچنین متنوع سازی روابط خارجی خواهیم بود.